

پروشکا، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
هو سیدقی

● گفتگو با بهزاد غروی
مدیر مؤسسه بانگ

حدود بیست سالی است که شاهد فعالیت شما در زمینه نشر آثار موسیقی کلاسیک هستیم و کم نیستند کسانی که آشنایی آنان با موسیقی کلاسیک از طریق مجموعه‌های موسیقی «بانگ» بوده است. لطفاً ضمن تشریح شمه‌ای از شیوه فعالیت خود، در انتخاب این آثار چه ملاک سنجشی را در نظر دارید؟

همان‌گونه که اشاره فرمودید نزدیک به دو دهه از فعالیت «بانگ» و پژوهش‌های مربوط به آن می‌گذرد. کارنامه این چند سال تلاش، انتشار بیش از صد و پنجاه اثر از آهنگسازان بزرگ تاریخ موسیقی جهان است. این آهنگها طیف گسترده‌ای از موسیقی دوران «باروک» تا موسیقی معاصر را در بر می‌گیرد هر یک از کاستهای «بانگ» دارای بروشور دو زبانه معرفی آثار و بررسی زمینه‌های تاریخی و اجتماعی دوران آهنگساز است تا شنونده ضمن شنیدن آن با ادبیات، تاریخ و فرمهای موسیقایی این آثار آشنایی پیدا کند. از چند سال پیش کاستهایی هم در زمینه موسیقی روز با گرایش‌های معینی منتشر کرده‌ایم، همانند انواع موسیقی پاپ کلاسیک، الکترونیک، گیتار سنتی فلانکو و فلامنکو نو. از آن میان باید به مجموعه متنوع «ارکسترهای بزرگ جهان» در ۴ مجلد اشاره کرد یا آلبوم کاستهای موسیقی «کلاسیک سبک» که با اجرای ارکسترهای گروه‌های پاپ منتشر شده‌اند. کاست شماره ۵ «کلاسیک سبک» مجموعه‌ای است از آهنگهای مشهور کلاسیک به شیوه‌ای نو با اجرای دلنشین ارکستر «پل موریه». از این مجموعه می‌توان کنسرتوی

بهار و یوالدی تا «خاطره الحمراء» فرانچسکو تارگا اسپانیایی را شنید. همچنین است انتشار کاستهای نظیر «آهنگی که با تو شنیدم»، «درون تو، بدون تو» و «رستال گیتار کلودمیشل» که با پذیرش همگانی به ویژه جوانان رو به رو شده است. جذابیت و پسند عمومی این کاستها، «بانگ» را بر آن داشت تا آلبوم سه جلدی «بعد از باران» و «وقتی میان شب و روز» را که برای ارکستر و گیتار اسپانیایی تصنیف شده با اجرای زنده ترین گیتارنوازان جهان منتشر کند. «بانگ» برای دوستانان موسیقی آکادمیک دستاوردی ارزنده داشته است. ضبط و تدوین و تکثیر کاستهای موسیقی کلاسیک که حجم بزرگی از فعالیتهای ما را به خود اختصاص داده با نوازندگی و رهبری سرشناسترین هنرمندان و ارکسترهای سمفونیک مراکز فرهنگی و هنری جهان ارائه شده است. این اجراها که به لحاظ ارزش هنری و تاریخی همتا ندارد، پس از مطالعه و بررسی دهها نشریه و کتاب و دیگر مراجع مهم، گزینش و با سیستمهای مجهز و پیشرفته با دقتی کارشناسانه ویرایش و باز تولید شده است. هم اکنون گنجینه‌ای از اجراهای عالی موسیقی کلاسیک در آرشیو «بانگ» موجود است که به دلیل موانع موجود و در غیاب هر نوع حمایتی امکان شنیدن آن عملاً برای بخشی از جامعه نامیسر است. یکی از این موانع، نادیده گرفتن مطبوعات ما در مورد انتشار چنین آثاری است. کمتر دیده شده و یا اصلاً دیده نشده که انتشار یک کاست ما حساسیت خبری یا نقد هنری آنان را برانگیزد. مشکل دیگر کپی برداری بد، غیر مسؤولانه و صرفاً با هدف سودجویی از سوی برخی مؤسساتی است که کمترین آشنایی با موسیقی آکادمیک ندارند. افزون بر این پخش ناقص و تفتنی و بریده بریده این آثار از رادیو یا تلویزیون است که نوعی بیزاری و دلزدگی برای شنونده مبتدی فراهم می‌آورد. (البته همین جا بگویم برنامه یک ساعته رادیو در جمعه شب‌ها برای پخش و آشنایی با آثار موسیقی کلاسیک ستودنی است. همچنین برخی از مطبوعات روزانه که جایی را برای معرفی این گونه موسیقی باز کرده‌اند.) حال آنکه تولید و باز آفرینی کاست موسیقی کلاسیک آن هم برای جامعه‌ای نظیر جامعه ما باید با دقت بسیار صورت گیرد و پس از آن در مرحله نشر، همانند انتشار کتاب با معرفی در رسانه‌ها همراه باشد.

در غیر اینصورت نادیده گرفتن موسیقی علمی زیر پوشش هر عذر و بهانه‌ای عملاً به گرایشهای مبتذل شبه موسیقی دامن می‌زند که این حتی برای موسیقی خودی نیز زیانبار خواهد بود. کمبود یا محدودیت الگوهای متعالی در هنر و موسیقی، جامعه را دچار فقر هنری از یکسو و تعصب و خود نابغه پنداری اهل هنر از سوی دیگر خواهد کرد. باید به انواع موسیقی درست و سالم امکان گسترش داد تا از این طریق موسیقی خودی امکان رشد و بالندگی یابد. کم نبودند دوستانان متعصب موسیقی کلاسیک که از طریق آشنایی با آثار باخ یا دورژاک یا چایکوفسکی

و... که نگرششان به موسیقی ملی خودمان تغییر کرده و با حس ستایشی عمیق به موسیقی خودی روی آوردند. از یاد نبریم که موسیقی خوش ساخت برای موسیقیدان آگاه یا موسیقی دوست هنرشناس، ستایش برانگیز و دوست داشتنی است. اما تفاوت تنها در گرایشها است. چگونه می توان به موسیقی ویوالدی یا مندلسون عشق ورزید اما نسبت به موسیقی اصیل سرزمین مادری بی تفاوت بود و یا از آن لذت نبرد. تعصب در هنر نابخشودنی است و مشخصاً نشانگر کم مایگی. موسیقی را هم می توان و باید با ملاک خوب یا بد سنجید. اما مسأله این است که میزان سنجش خوبی و بدی چیست؟ به عنوان یک دوستدار موسیقی، تجربه، این دریافت و داوری را به من داده است تا به دنبال عناصری مثل بافت ارگانیکی و انسجام درونی (کمپوزیسیون) و شیوه اجرایی در یک قطعه موسیقی باشم. اگر این شاخص و سنجش را در خوبی یا بدی موسیقی که به آن گوش می سپاریم، مؤثر و تعیین کننده بدانیم در آن صورت هم موسیقی باخ و هم قطعه موسیقی پاپ را در بر می گیرد. لذت یک قطعه موسیقی پاپ گاه می تواند با لذت شنیدن آهنگی از بتهوون یا لیست برابری کند. می خواهم نتیجه بگیرم «عامه پسند» بودن یک اثر موسیقی الزاماً به معنای مبتذل بودن آن نمی تواند باشد. آنچه که آفت هر نوع خلاقیت هنری است، خطر «عوامانگی» است. باید مراقب بود (مراقبتی هنرورزانه، نه با داغ و درفش) که عامل تباه کننده عوام زدگی، موسیقی را از درون نپوساند چرا که سودجویی و ولنگاری را، بی تردید به دنبال خواهد داشت. لوچیانو پاواروتی، خواننده سرشناس اپرا در این مورد حرف جالبی زده است، می گوید: «موسیقی خوب می تواند موسیقی منسینی (خالق آهنگ پلنگ صورتی) باشد و موسیقی بد، موسیقی کلاسیک، برعکس آن نیز درست است. «بله، مهم تفاوت در بافت و شیوه ارائه آن است. چرا که از منظری درونی موسیقی زبان دل آدمی است. موسیقی هندی، گواتمالایی یا ایرانی همانقدر سرزمینی است که جهانی است و این به دلیل سرشت ذهنی و انتزاعی موسیقی است. انوانسیون های باخ یا کوارتت های برامس هر چند قریحه انسان غربی کره خاکی را بازتاب می دهد - آن هم از دورانی دور - اما به لحاظ انسانیت و اندیشیدگی آن همچون ترانه ای بومی از سرزمینی دور، بی مرز، بی زمان و بسیط است. موسیقی را حتی آنگاه که با کلام همراهی دارد، نمی توان در حجم معانی و زبانی مشخص بسته بندی کرد. این زبانی است فراگیر، به وسعت همه انسانیت که در هیچ کجای ذهن، مفهومی جایگزین شونده ندارد. موسیقی را باید شنید، دریافتن آن همان شنیدن آن است.

برنامه شما برای آینده، در کوتاه مدت یا بلند مدت چه خواهد بود؟

برخی از آثار که سالها پیش منتشر کرده بودیم در دسترس نیست و نایاب شده اند. بسیاری خواستار این آثار با اینسرت «بانگ» هستند. چاپ و نشر دوباره (ورژن جدید) این دسته از آثار



● بهزاد غروی مدیر مؤسسه بانگ

ناگزیر در اولویت خواهند بود. مثل سمفونی‌های نه‌گانه بتھوون و کنسرتو پیانوهای او، یا برخی شاهکارهای موسیقی برای ارکستر و گیتار افزون بر این در حال حاضر آلبوم رسی‌تال آوازهای پاواروتی را در دو کاست در دست انتشار داریم که برای نخستین بار در ایران منتشر می‌شود. همچنین مجموعه والسهای اشتراوس آخرین مراحل فنی چاپ و صداگذاری را می‌گذرانند. ضمناً مجموعه‌ای از ملودیهای ارکسترال اپراهای مشهور و کوارتت «مرگ و دختر» شوپرت، به همراه آثاری از او برای پیانو و ویولن و ارکستر با نوازندگی ولادیمیر هورویتس و گیدون کرمر برای انتشار آماده کرده‌ایم. امیدواریم در آینده‌ای نه چندان دور آثاری ارزشمند و گرانسنگ از بازپسین کوارتت‌های بتھوون و شماری از کارهای آهنگسازان نئورومانتیک را پس از ویراست نهایی متن و نوشتار آن برای نشر روانه بازار کنیم.

بانگ به عنوان یکی از پیشینه‌دارترین مؤسسه‌های موسیقی‌گستر در نظر دارد به گونه‌ای اختصاصی کاستهای تصویری (وی. ایچ. اس) پاره‌ای از اجراهای عالی و تاریخی موسیقی کلاسیک را در اختیار استادان، پژوهشگران، هنرمندان و هنرآموزان موسیقی قرار دهد. (می‌دانیم که پر کردن جای خالی چنین آثاری و پاسخ به عطش هنرآموزان رشته موسیقی تا چه حد ضرورت کاربردی دارد) امیدوارم تحقق چنین پروژه‌ای با یاری نشریه وزین و فرهنگ پرور «بخارا» میسر شود، تا زمینه‌های طرح و نقد و بررسی چنین آثاری در مطبوعات فزونی گیرد. به این ترتیب گنجینه‌ای از آثار برجسته موسیقی آکادمیک با همان کیفیت اصیل و درخشان کمپانی تولیدکننده (به طریقه استرئوفونیک و های‌فای) در دسترس خواستاران خواهد بود.